



صفحه از: علیرضا بهرامی

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دبیر تحریریه: شهرام فرهنگساز
■ معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سامانی
■ دبیر عکس: امیر بهایپور

■ مدیر: حسین راجلو
■ شهرنگار: مدیر: پروانه بهرام‌پژاد
■ دبیر: مریم باقرپور

■ اقتصاد: مدیر: وحید لطفی
■ مشاور: مریم موسی‌پور

■ تماشگر: مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

■ گزارش: مدیر: قهریمة طباطبایی

■ سرزمین من: مدیر: سید زهرا عباسی
■ دبیر: زهرا رفیعی

■ جامعه: مدیر: سعید میر
■ دبیر: فاطمه عسکری‌نیا

■ ۲۴ (سینما و تلویزیون): مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی

■ صفحه آخر: دبیر: عیسی محمدی

■ سرگرمی: مدیر: قرام‌شیرزادی
■ دبیر: قرام‌شیرزادی

■ دانستنیها: مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خاجی

■ سرمدیر آنلاین: اسماعیل سلطنت‌پور

■ معاونان آنلاین: مجتبی صادقی، کامران یازجی، حامد فوقانی

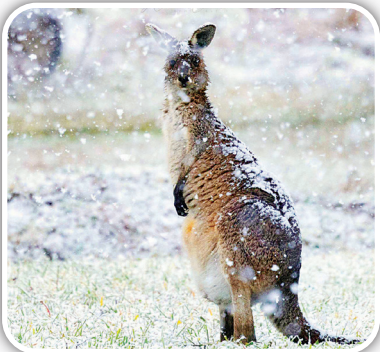
■ مدیر فضای مجازی: زهرا سادات بهشتی

■ مدیر پیش‌زنده: امیرحسین محمد دوست

■ مدیر تولید تلویزیون: الهه سادات بهشتی

حکایت پلاس

آدم‌هایی با نیمکره جنوبی و شمالی!



سیدروس طباطبایی پور

در روزهای پایانی هفته

گذشته، در شرق استرالیا

برف آمد؛ آن هم برفی

بی‌سابقه! آنقدر زیاد که همه‌جا سفیدپوش شد و کانگوروها مجبور شدند به دنبال سرپناهی گرم بگردند و مردم در ایالت‌هایی مثل نیوساوت‌ولز، دمای وسایل گرمایش خود را زیاد کردند تا بلکه کمی گرم شوند. البته این یک روی سکه

کره زمین است که همان نیمکره جنوبی است!

اما در سمت دیگر ماجرا که ما هستیم، ماجرا بر عکس است. در همین روزهای پایانی هفته گذشته، ۴ شهر اهوآ، آمیدی، مسجدسلیمان و آبادان که در نیمکره شمالی زمین قرار دارند، در فهرست ۱۰ شهر گرم جهان قرار گرفتند و زمین در این شهرها آنقدر داغ شد که گاومیش‌های بخت‌برگشته، مجبور شدند دنبال سایه‌ساری برای خود بگردند تا پخته نشوند.

القصر، ماجرای نیمکره جنوبی و شمالی زمین را گفتیم تا به مشهدی عباس، شاساطر محل خودمان برسیم. پریروز صبح وقتی در صف یک‌دانای‌ها ایستاده بودم، مشهدی عباس آنقدر مهربان و رنوف بود که نگو؛ حتی سان را از دم تنور به‌سوی مشتری پرت نمی‌کرد تا خدای نکرده به کسی بر نخورد و بی‌احترامی نشود! وقتی کارت می‌کشید، کلی قابل‌نداره و مهمان باش می‌گفت و اگر کسی نایلون می‌خواست، کلی نصیحتش می‌کرد که پس محیط‌زیست چه می‌شود؟ و با چشم و ابرو و ناز و کرشمه، کیسه‌های پارچ‌های را نشان می‌داد.

اما دیروز مشهدی عباس، انگار نیمکره شمالی اش فعال بود؛ گرم، داغ، قرمز، خشمگین، عصبانی! وقتی عصر در صف یک‌دانای‌ها ایستاده بودم، چنان نان سنگک بخت‌برگشته را از دم تنور محکم و قاطع‌گیر کنده به سویم پرت کرد که نزدیک بود همه جانم، نانی شود و در زمان حساب و کتاب، دستور داد که خودت کارت بکش و کیسه‌های پلاستیکی را آنقدر دم دست گذاشته بود که گویی، از ابتدای خلقت، هیچ کیسه پارچ‌های کشف نشده است. خلاصه انگار آدم‌ها هم می‌توانند در یک روز، عین کره زمین، نیمکره جنوبی و شمالی داشته باشند و در یک لحظه، زمستان باشند و به‌نظرم باید اهالی محل، مشهدی عباس را درک کنند و نه فقط خنکی روزهای مهربانش را به‌خاطر بسپرند و نه داغی خشم‌هایش را خیلی جدی بگیرند. مشهدی‌عباس هم مثل کره زمین می‌تواند در یک لحظه، هم مهربان باشد و هم خشمگین و او را باید با همین ویژگی‌هایش دوست داشت. وال‌البته امیدوار بود بیشترین فصل مشهدی‌عباس، همان لحظه‌های بهاران‌ه و معتدلش باشد.

دور دنیا

ژیان دوست‌داشتنی!



آنها که سن‌وسالشان به نیم‌قرن پیش می‌رسد، حتما حضور رنگارنگ ماشین‌های ژیان شرکت سیتروئن را در خیابان‌های تهران و اصفهان و دیگر شهرهای ایران به‌خاطر دارند؛ خودرویی که دنده‌اش، از وسط ماشین بیرون می‌آمد و برخی سقف‌های پارچ‌های‌شان تا می‌شد و از آگروزشان، صدای روح‌نوازی به گوش می‌رسید و سر چهارراه، با هر سرعتی که می‌پیچیدی، عین خیالش نبود و با چپ کردن، هیچ میانه‌ای نداشت! این روزها طرقداران این ماشین‌های خاطره‌انگیز، در اسلوونی گرد هم جمع شده‌اند تا ماشین‌های ژیان قدیمی و ساده خود را به رخ خودروهای مدرن و امروزی بکشند. آنها اجازه می‌دهند بازدیدکنندگان در کنار ژیان‌های رنگارنگشان عکس یادگاری بگیرند و به مردم یادآور می‌شوند که سبک زندگی ساده، از نظر آنها، درست مثل ماشین‌های ژیان قدیمی‌شان، آرامش‌بخش‌تر از زندگی با ابزارهای پیشرفته امروزی است. تعمیر ساده، حرکت نرم و سرعت آهسته، به اعتقاد دوستداران ژیان، هدیه‌ای است که خودروهای پیچیده و مدرن امروزی، از آن بی‌بهراند. از سال ۱۹۹۰، تولید این خودروی خاطره‌انگیز متوقف شده و طرفدارانش را غمگین کرده است.

فاطمه عباسی

در قاب‌های خبری سفر

اخیرر رئیس‌جمهور به

از دیگر تصاویر عمق‌پیوندهای تاریخی و فرهنگی ایران

و همسایگانش را به نمایش گذاشت: حضور بر مزار علامه

اقبال لاهوری در لاهور و امضای دفتر یادبود شاعری که

بیدل دهلوی

در باغی به نام «باغ بیدل» در شهر دهللی، مقبره ابوالقاسم بیدل دهلوی، از بزرگ‌ترین شاعران پارسی‌گوی سبک هندی قرار دارد. هرچند آرامگاه او در طول تاریخ فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت و برای مدتی ناشخص بود، اما امروزه این مکان به همت علاقه‌مندان به فرهنگ فارسی برای ما ایرانیان اقبال تنها یک شاعر نیست؛ او متفکری است که با تسلط بی‌نظیر بر زبان فارسی مفاهیم عمیق عرفانی و فلسفی را در قالب اشعاری حماسی و شورانگیز بیان کرده است. بازدید از این مکان ادای احترام به مردی است که ثابت کرد روح فرهنگ فارسی مرز نمی‌شناسد.

علامه اقبال لاهوری

در قلب شهر تاریخی لاهور آرامگاه شاعر و فیلسوفی قرار دارد که ایرانیان او را با افتخار «شاعر پارسی‌گوی» می‌خوانند. بنای مقبره محمد اقبال لاهوری، با معماری چشم‌نواز و ترکیبی از سبک‌های مغولی و افغان، با سنگ مرمر قرمز ساخته شده و نمادی از احترام ملت پاکستان به «شاعر ملی» خود است. برای ما ایرانیان اقبال تنها یک شاعر نیست؛ او متفکری است که با تسلط بی‌نظیر بر زبان فارسی مفاهیم عمیق عرفانی و فلسفی را در قالب اشعاری حماسی و شورانگیز بیان کرده است. بازدید از این مکان ادای احترام به مردی است که ثابت کرد روح فرهنگ فارسی مرز نمی‌شناسد.

نورالدین عبدالرحمان جامی

هرات، شهر اولیا و شاعران، افتخار میزبانی از، نورالدین عبدالرحمان جامی را نیز دارد. آرامگاه این شاعر، عارف و دانشمند بزرگ قرن نهم هجری در شمال‌غربی این شهر قرار گرفته است. جامی به‌عنوان شاعری که در تمامی انواع شعر فارسی طبع آزمایی کرد و شاهکارهایی چون «هفت‌اورنگ» آفرید، نماد دوره درخشان تیموری در هرات است. مقبره او، با سنگ قبر مرمرین منقوش و فضایی آرام، اگرچه به نسبت مقام والای او ساده است، اما همچنان محلی بسرای تجمع اهل ادب و فرهنگ است و یادآور عصری است که هرات‌ها مرکز زه‌مهم هنر و دانش در جهان اسلام بود.

نظامی گنجوی

گنجه، آذربایجان

در شهر گنجه جمهوری آذربایجان، آرامگاه حکیم نظامی گنجوی از بزرگ‌ترین داستان‌سرایان ادبیات فارسی قرار دارد. نظامی، خالق خمسه یا پنج کنج (مخزن‌الاسرار، خسرو شیرین، لیلی، ومجنون، هفت‌پیکر و اسکندرنامه)، با داستان پردازی بی‌نظیر و قدرت تخیل خود، قله‌ای دست‌نیافتنی در شعر روایی عاشقانه فارسی است. مقبره او که بنای یادبود مر نفع و باشکوهی برای آن ساخته شده، یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های فرهنگی آذربایجان است. این آرامگاه سندی محکم بر این حقیقت تاریخی است که زبان و فرهنگ فارسی در منطقه قفقاز ریشه‌هایی عمیق و استوار داشته و نظامی بزرگ‌ترین نماینده این میراث غنی در آن دیار است.

قلیش برای فرهنگ ایرانی می‌تنبید. این دیدار بهانه‌ای

است برای سفری ذهنی به جغرافیایی بسیار فرا تر

از مرزهای سیاسی امروز؛ به دورانی که زبان فارسی، به‌عنوان زبان دوم جهان اسلام و گاه زبان نخست علمی

در خاور میانه، از شبه‌قاره هند تا آسیای میانه و قفقاز

را در می‌نوردید. اگر چه امروز این گستره محدود تر

امیر خسرو دهلوی

در مجموعه درگاه نظام‌الدین اولیا، در دهللی، آرامگاه امیرخسرو دهلوی، شاعر، موسیقی‌دان و عارف بزرگ قرن هفتم و هشتم در کنار مرادش نظام‌الدین قرار دارد. امیرخسرو که به «طوطی هند» مشهور است، نه تنها در شعر فارسی استادی بی‌بدیل بود، بلکه به‌عنوان بنیانگذار موسیقی‌های فارسی ساز سیتار نیز شناخته می‌شود. او با آمیختن ظرایف زبان فارسی و هندی، پلی ناگسستنی میان دو فرهنگ بزرگ بنا نهاد و میراثی جاودان خلق کرد. مقبره ساده اما پر از معنویت او، با سنگ مرمر سفید، همواره مملو از زائران است که برای شنیدن نای قوالی و ادای احترام به این نابغه کثیرالوجه گرد هم می‌آیند.

مولانا جلال‌الدین بلخی

شاید پر آوازه‌ترین آرامگاه یک شاعر پارسی‌گوی در خارج از مرزهای امروزی ایران مقبره مولانا جلال‌الدین محمدبلخی در شهر قونیه ترکیه باشد. این مکان که امروزه به موزه مولانا تبدیل شده، با گنبد فیروززای مخروطی‌شکل خود (قبه‌الخضر) سالانه میزبان میلیون‌ها گردشگر از سراسر جهان است. مولانا که در بلخ (افغانستان کنونی) که زمانی متعلق به ایران بود زاده شد، بخش عمده زندگی خود را در قونیه گذراند و شاهکار بی‌بدل ادبیات عرفانی جهان، «مثنوی معنوی» را در آنجا سرود. آرامگاه او نه یک مقبره که یک مرکز فرهنگی و معنوی یواست که پیام صلح و عشق‌اورا به گوش جهانیان می‌رساند.



شده، اما میراث آن در قالب یادبودهای شاعران و

عارفان بزرگی که اشعارشان همچنان در جان و دل

ایرانیان طنین‌انداز است، پابرجاست. این یادبودها و

آرامگاه‌ها تنها پناهایی از سنگ و خشت نیستند، بلکه

سفر تاخانه‌های دامن فر هنگ و زبان فارسی در قلب

کشورهای دیگرند.

سنایی غزنوی

شهر غزنی در افغانستان میزبان آرامگاه حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، از بزرگ‌ترین شاعران عارف و یکی از پایه‌گذاران اصلی شعر عرفانی فارسی است. او نخستین شاعری بود که مضامین بلند عرفانی را به‌طور جدی وارد قصیده و غزل کرد و راه را برای عطار و مولانا هموار ساخت. مقبره او که در طول تاریخ بارها تخریب و بازسازی شده، نمادی از استقامت فرهنگ در برابر تندباد حوادث است. سنایی با اثر سترگ خود، «حدیقه‌الحقیقه» در پچه‌ای نو به‌روی ادبیات فارسی گشود و مزارش در غزنی یادگار دوران شکوه و عظمت این شهر به‌عنوان یکی از مراکز مهم فرهنگ و ادب فارسی است.

ابوعبدالله رودکی

پنجکنت، تاجیکستان

در روستای پنجرود در نزدیکی شهر پنجکنت تاجیکستان، آرامگاه پدر شعر فارسی، ابوعبدالله جعفر رودکی قرار دارد. کشف مزار او در قرن بیستم توسط محققان شوروی یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای فرهنگی برای تمام فارسی‌زبانان بود. رودکی به‌عنوان نخستین استاد بزرگ شعر فارسی نقش بنیادین در شکل‌گیری و اعتلای این زبان داشت. امروزه مقبره بازسازی شده او، با معماری الهام‌گرفته از سبک سامانی، به یک زیارتگاه ملی در تاجیکستان تبدیل شده و نمادی از پیوند ناگسستنی این کشور با ریشه‌های عمیق فرهنگ و ادبیات فارسی است.

نگاه

آموزش برای پلاک مخفی‌ها



فرقی نمی‌کند پلاک خودرو یا موتورسیکلت‌تان را با ماسک بیوشانید یا پارچه، روی پلاک چسب بزنید یا سعی در کم‌رنگ کردنش داشته باشید؛ در هر صورت و با هر روشی که پلاک را مخدوش کنید مر تکب جرم شده‌اید و باید تاوانش را بدهید. مخدوش کردن پلاک خودرو یا موتورسیکلت در شهرهایی که در آنها طرح زوج و فرد اجرا می‌شود بیشتر است. بعضی از رانندگان برای اینکه پول جریمه ندهند، اما به‌راحتی در محدوده طرح ترافیک تردد کنند پلاکشان را می‌پوشانند یا به‌اصطلاح مخدوش می‌کنند تا از چشم دوربین‌های طرح ترافیک در امان بمانند.

مدتی هم باب بسته‌بود که ابتدای خیابان‌هایی که در محدوده طرح قرار داشتند، عده‌ای با موتور یا پیاده می‌ایستادند و از رانندگان پول می‌گرفتند و پشت سر راننده حرکت می‌کردند تا دوربین، پلاک را نبیند. خوشبختانه بساط این افراد مدتی است که جمع شده، اما هنوز پوشاندن پلاک با پارچه و طلق، کاغذ و... ادامه دارد. باید بگوییم که این مدل تخلفات فقط شامل جریمه نقدی نمی‌شود و در سرهای زیادی برای راننده‌ها دارد. آنطور که معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ به تا‌زگی گفته، پلیس راهور تهران متخلفان پوشاندن پلاک را جریمه و در صورت تکرار جرم به مراجع قضایی معرفی می‌کند. در چنین شش‌ربطی ابتدا پیامکی برای راننده ارسال و خودرو در محل جریمه می‌شود. سپس مالک خودرو برای شرکت در کلاس آموزشی توجیهی دعوت می‌شود. اگر فرد متخلف در این کلاس حضور یابد و به اشتباه خود پی ببرد، موضوع به مراجع قضایی ارجاع نمی‌شود، اما در صورت تکرار یا شرکت نکردن در کلاس، پس از ارسال چند پیامک پرونده قضایی برای آن راننده تشکیل خواهد شد. مجازات پوشاندن پلاک هم می‌تواند بین ۶ماه تا یک سال حبس یا جزای نقدی، بسته به تشخیص قاضی پرونده باشد. خلاصه که شاید با مخدوش کردن پلاک چندبار مخفیانه در محدوده طرح ترافیک تردد کنید، اما یک‌بار ممکن است گیر بیفتید و یک سال را پشت میله‌های زندان آب خنک بگذراند.

عکس خانه

سقا‌های کوچک



این قاب، پنجره‌ای به ۸۰سال پیش با بخت است؛ به تابستانی داغ در سال ۱۳۲۴، زمانی که صدای مدرنیته هنوز در همه‌مست‌های کهن گم بود. در این تصویر که توسط عکاس فقید، محمود پاکزاد در چهارراه مخبرالدوله به ثبت رسیده، شاهد پرشی از زندگی روزمره تهران قدیم هستیم. پیش از آنکه لوله‌کشی آب به همه خانه‌ها برسد «سقای» نه فقط یک سنت مذهبی که یک شغل حیاتی و رایج بود؛ شغلی که اغلب بر دوش کودکان و نوجوانان سنگینی می‌کرد.

نگاه‌های مصمم این پسران نوجوان، پاهای برهنه بر آسفالت داغ، کوزه‌ها و ظروف آبی که حمل می‌کنند، روایتی خاموش از مسئولیت‌پذیری زودهنگام و تلاش برای کسب درآمد در آن روزگار است. آنها تنها آب که خنکای زندگی را به رهگذران تشنه می‌فروختند. این عکس، فراتر از یک سسند تاریخی از یک شغل منسوخ‌شده، تصویری قدرتمند از بافت اجتماعی تهران آن دوران است؛ شهری که در آن، کودکان در بطن خیابان و بازار بزرگ می‌شدند و با صدای زنگ ظرفشان نبض زندگی را در کوچه‌ها جاری می‌کردند. این نوجوانان سقا‌های کوچک تاریخ تهران هستند که تصویرشان یادآور دورانی است که یک جرعه آب خنک گرانبه‌ا بود و مر بیشتر قدرش را می‌دانستند